

ارائه الگویی جهت فهم مدیریت اسلامی از رهگذر همکاری حوزه و دانشگاه در چارچوب رویکرد تقسیم کار

محمدحسین باقری فرد*

محمدحسن دهقان**

چکیده

دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی در پاسخ به این سؤال که مدیریت اسلامی چیست؟ و چگونه قابل تحقق است؟ ارائه شده است. در این مقاله الگویی جهت فهم مدیریت اسلامی از رهگذر تبیین چگونگی همکاری حوزه و دانشگاه به عنوان دو نهاد متولی دین (اسلامی) و علم (مدیریت) ارائه شده است. بدین منظور براساس رویکرد تقسیم کار مدل مفهومی اولیه‌ای طراحی شده و سپس در قالب مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ تن از خبرگان این حوزه اعتبارسنجی شده است. محتوای مصاحبه‌ها از طریق روش تحلیل محتوا و تکنیک خوشه‌بندی تحلیل و طبقه‌بندی شد. نظرات اساتید در قالب ۴۱ مفهوم پایه، ۱۵ مفهوم محوری و ۳ مفهوم اصلی دسته‌بندی شده و مدل اولیه براساس آنها بازطراحی گردید. در این مدل، الگوی پیشنهادی همکاری حوزه و دانشگاه بدین صورت است که در مواجهه با مسائل و موضوعات نیازمند پاسخ به دو سؤال دانستن (چیستی حکم) و توانستن (چگونگی پیاده نمودن حکم) هستیم و حوزه و دانشگاه در هر دو محور حضور فعال دارند. خروجی چنین همکاری منجر به تولید علم مدیریت اسلامی می‌شود که در مواجهه با مسائل و موضوعات، چهار نوع یافته علمی به دست می‌دهد: ۱. تبیین آموزه‌های دینی به‌عنوان راه‌حل مواجهه با مسائل؛ ۲. پیشنهادات علم مدیریت در موضوع‌شناسی و تبیین ابعاد تخصصی موضوع؛ ۳. راهکارهای علم مدیریت در ارائه شیوه‌های توانستن اجرای آموزه‌ها و ۴. تبیین خطوط قرمز دین یا ارائه توصیه‌هایی در مقام اجرای راهکارهای ارائه‌شده توسط علم مدیریت.

واژگان کلیدی: مدیریت اسلامی، حوزه، دانشگاه، وحدت حوزه و دانشگاه، تقسیم کار، علم، دین.

مقدمه

مدیریت اسلامی، موضوعی است که همواره دغدغه اندیشمندان این حوزه بوده است و در همین راستا نیز کوشش‌های فراوانی جهت فهم و تبیین این مفهوم و چگونگی دستیابی بدان مطرح شده است.^۱ هریک از این افراد از منظری به مدیریت اسلامی نگریسته‌اند و نتیجه این تلاش‌ها منجر به ارائه نظریاتی در خصوص تعریف و بسط مفهوم مدیریت اسلامی شده است. به‌عنوان نمونه دسته‌بندی زیر از نظریات ارائه شده است (چاوشی، ۱۳۸۸).

۱- نظریه یا رویکرد نظری رشد در مدیریت اسلامی؛

۲- رویکرد اصول‌گرایی؛

۳- رویکرد اخلاق و ویژگی‌های مدیران اسلامی؛

۴- رویکرد وظایف مدیران مسلمان؛

۵- رویکرد تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت.

آنچه موضوع اصلی این تحقیق است تبیین موضوع از رهگذر بررسی رابطه متولیان دو نهاد علم و دین است. به‌عبارت‌دیگر یکی از پیش‌فرض‌های این مقاله عبارتست از اینکه حوزه به‌عنوان متولی دین (اسلام) و دانشگاه به‌عنوان متولی علم (مدیریت) محسوب می‌شود، از این رو تبیین نسبت این دو نهاد می‌تواند به تبیین چگونگی تحقق مدیریت اسلامی کمک کند.

امام خمینی علیه السلام به‌عنوان مبدع ایده وحدت حوزه و دانشگاه به کرات بر اهمیت این دو نهاد و ضرورت ارتباط آنها و احترام متقابل میان آنها تأکید داشتند.^۲ رهبر معظم انقلاب نیز در موارد متعدد بر اهمیت حضور روحانیون در میان دانشجویان و در محیط دانشگاه تأکید نموده‌اند (بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۰۴/۲۰). از منظر ایشان این دو نهاد باید از یکدیگر استفاده کنند، علمی را که امروز حوزه‌های علمیه می‌خواهند فرا بگیرند، دانشگاهی‌ها به آنها تعلیم بدهند. دین و معرفت دینی را هم که دانشگاهی‌ها احتیاج دارند، علمای حوزه به آنها تعلیم بدهند (سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۳/۰۹/۲۹). به‌عبارت‌دیگر آنها جهت‌گیری زندگی او را تصحیح می‌کنند و اینها حرکات زندگی او را تسهیل می‌کنند. آنها فکر و ذهن و روح او را آنچه‌ان که از زشتی‌ها و نادرستی‌ها می‌آیند که بفهمد به کجا باید حرکت کند و اینها وسیله این حرکت را به دست او می‌دهند تا

به منابع افزوده شود عیناً: [1:سید] Comment

۱. برای نمونه ر.ک. امیررضا قانع و همکاران، کندوکاوی در شاخصه‌های مدیریت اسلامی با محوریت مدیریت علوی؛ جلیل بهارستان، مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت؛ علی نقی امیری، رویکردهای مدیریت اسلامی: رویکرد تجربی و... .

۲. به‌عنوان نمونه ر.ک. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۴۷-۲۵۱ و ۳۲۵-۳۲۶.

حرکت کند (بیانات در دیدار با دانشجویان به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۷۲/۹/۲۴). پس از انقلاب تاکنون تلاش‌های زیادی برای وحدت این دو نهاد صورت گرفته است به‌گونه‌ای که بیش از ۶ رویکرد در تعامل این دو نهاد ارائه شده است. در این تحقیق یکی از این رویکردها (رویکرد تقسیم کار) به‌عنوان رویکرد مختار انتخاب شده و مسئله اصلی تحقیق ذیل این رویکرد تعریف می‌شود که عبارتست از ارائه مدلی جهت تبیین چگونگی همکاری دو نهاد حوزه و دانشگاه براساس رویکرد تقسیم کار.

سؤال تحقیق

سؤال اصلی

همکاری حوزه به‌عنوان متولی دین (اسلام) و دانشگاه به‌عنوان متولی علم (مدیریت) از چه الگویی تبعیت می‌نماید؟

سؤال‌های فرعی

۱. نقش حوزه به‌عنوان متولی دین (اسلام) در این الگو چیست؟
۲. نقش دانشگاه به‌عنوان متولی علم (مدیریت) در این الگو چیست؟

پیشینه تحقیق

عناوین مطالعاتی که مرتبط با موضوع این تحقیق می‌باشند در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۱: پیشینه تحقیق

ردیف	عنوان	نویسنده، سال انجام، منبع
۱	پژوهشی در باب وحدت حوزه و دانشگاه	محمد محمدرضایی (۱۳۹۴)، به سفارش دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲	نقش حوزه علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی	هادی کاظم‌زاده (۱۳۹۲)، کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی قم، دانشکده تاریخ و تمدن اسلام
۳	بازخوانی منابع قدرت نرم مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) در ذخیره دانش نخبگان حوزه و دانشگاه	ابراهیم فتحی (۱۳۹۶)، رساله دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری
۴	نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر	اصغر احمدی و سیدعلیرضا افشانی (پاییز ۱۳۸۷)، راهبرد فرهنگ، شماره ۳
۵	بررسی و مقایسه نظام آموزشی حوزه و دانشگاه	جابر کریمی؛ احمدرضا نصر اصفهانی و محمود حاجی احمدی (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۲

Comment [2]: ???

۶	آرمان وحدت حوزه و دانشگاه، آسیب‌ها و خطرات	علی محمد حاضری (زمستان ۱۳۷۷)، دانشگاه اسلامی، شماره ۷
۷	پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه و دیدگاه‌های مرتبط با آن	مجید دیوسالار (۱۳۸۷)، پگاه حوزه، شماره ۲۴۵
۸	تبیین اهداف مشترک حوزه و دانشگاه	محمدحسن میرزامحمدی و علی صحبت‌لو (پاییز ۱۳۸۶)، دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵)
۹	پنج رویکرد به وحدت حوزه و دانشگاه	عماد افروغ (۱۳۷۹)، بازتاب اندیشه، شماره ۱۰
۱۰	بایسته‌های حوزه و روحانیت از دیدگاه مقام معظم رهبری	محمدابراهیم ساورسلفی (زمستان ۱۳۹۱)، نشریه حبل‌المتین، شماره ۱
۱۱	تئوری وحدت حوزه و دانشگاه در انقلاب اسلامی و رهیافتی بر استعاره معناگرایی قدرت در حقوق عمومی	محمدصادق کوشکی و اسماعیل آجلو (۱۳۹۲)، پژوهش‌های انقلاب اسلامی
۱۲	مطالعه جامعه‌شناختی انگیزه‌های مهاجرت از دانشگاه به حوزه علمیه	سیدمهدی اعتمادی‌فرد و انیس صارمی (زمستان ۱۳۹۶)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ششم، شماره ۴
۱۳	نقش حوزه و دانشگاه در رشد و تعالی معنوی جامعه از دیدگاه امام خمینی	سیدخلیل سعیدعلیپور (۱۳۸۵)، پنجمین همایش سراسری علوم انسانی و هنر
۱۴	شناسایی مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه	علیرضا قاسمی‌زاد و محسن جوکار (۱۳۹۶)، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران

جمع‌بندی پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام‌شده که پیشتر به آن اشاره شد را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی نمود. برخی از تحقیقات بر آسیب‌شناسی عدم وحدت حوزه و دانشگاه پس از انقلاب متمرکز شده‌اند. برخی تحقیقات بر توصیف و تبیین نقاط اشتراک یا افتراق این دو نهاد پرداخته‌اند. برخی تحقیقات به دنبال تبیین نقش هریک از این دو نهاد در موضوعات مرتبط با جامعه و انقلاب به صورت جداگانه می‌باشند. برخی از تحقیقات نیز ریشه بحث حوزه و دانشگاه را در تبیین رابطه علم و دین جستجو کرده‌اند. تفاوت تحقیق حاضر با تحقیقات مشابه در این است که در این تحقیق، چگونگی همکاری این دو نهاد در یک تحلیل میدانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی ابتدا براساس مطالعات قبلی و تجارب محقق، مدل‌سازی اولیه صورت گرفته و سپس از طریق مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران مرتبط با موضوع، این مدل اعتبارسنجی شده است.

ادبیات موضوع

حوزه

انگیزه نخستین و تاریخ تشکیل حوزه‌های علمیه چندان روشن نیست و محتاج تحقیقی در خور می‌باشد. مسلمانان اولیه، به موازات گسترش قلمرو اسلام، با سه پدیده سرنوشت‌ساز در حیات

سیاسی خود روبه‌رو شدند و در راه چاره‌سازی آن به تأسیس حوزه‌های علمیه دست یازیدند: از سویی با افواج تازه مسلمانانی روبه‌رو گشتند که از تعالیم اسلامی کمترین آگاهی را داشتند و محتاج آموزش‌های گسترده بودند، و از سوی دیگر به هم‌مرزی ادیان بزرگ و تمدن‌های پرشکوه و سرمایه‌داری کشانده می‌شدند که با فرهنگ‌ها و عقاید گوناگون داعیه درگیری فرهنگی-اعتقادی، با مسلمانان را در سر داشتند و دفاع فرهنگی از شریعت را برای مسلمانان ضروری می‌ساختند، و در کنار این دو، پیدایش حوادث و موضوعات جدیدی که در آیات قرآنی و روایات مأثور، احکام آن به صراحت بیان نگشته بود، لزوم تأسیس سیستم استخراج احکام از متون اصلی را اجتناب‌ناپذیر گردانده بود. همه اینها به یاری هم، خبر از تأسیس تشکیلاتی می‌دادند که به طور مستقل، به پاسخگویی نیازهای یادشده بپردازد و اسلام را در راه دستیابی به اهداف خویش، کمک کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۵، ص ۹۳-۹۵).

دانشگاه

پاسخ‌های متفاوتی به سؤال "کارکرد دانشگاه چیست؟" ارائه شده است. در سنت اروپایی، دانشگاه را به‌عنوان نهادی در نظر می‌گرفتند که ارتباط چندانی با مسائل عمومی ندارد. آنچه در این سنت در درجه اول اهمیت قرار داشت، ارزش ذاتی آموزش و پژوهش بود.

اما تجربه آمریکایی از سنت‌های اروپایی به‌طور کامل جدا است از نظر آمریکایی‌ها آموزش عالی ابزاری بود در جهت تولید دانش و نیروی انسانی مورد نیاز برای جامعه‌ای که با سرعت در راه توسعه گام برمی‌داشت. بر همین مبنا است که در آمریکا دانشگاه‌ها عمومی‌تر هستند نسبت به اروپا یعنی در تعامل و ارتباط بیشتری با جامعه می‌باشند اشخاص و افراد مختلف دسترسی آسان‌تری به دانشگاه، دانشجویان و اساتید دارند همان چیزی که از آن به «ایده عمومی کردن دانشگاه‌ها» نام می‌برند (کی‌بوک، ۱۳۹۶، ص ۱۴-۱۵).

اما در ایران دانشگاه یکی از اصلی‌ترین و اثرگذارترین نهادهای اجتماعی در جهان مدرن است. در گذشته تاریخی ایران با ظهور دارالعلم، نظامیه و... روبه‌رو هستیم. و محققان ایرانی در این مؤسسات به اصلی‌ترین نیازهای کشور پاسخ می‌داده‌اند. به میزانی که جامعه در مسیر توسعه قرار گرفته است، دانشگاه در اشکال گوناگون آن ظهور کرده و نقش آفرینی داشته است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۷، ص ۱۱-۱۳). براین اساس وظیفه اصلی این نهاد، تولید دانش و نیروی انسانی مورد نیاز برای جامعه‌ای است که با سرعت در راه توسعه گام برمی‌دارد.

وحدت حوزه و دانشگاه

مبانی دینی وحدت

وحدت در آموزه‌های دینی در چند زمینه تأکید شده است. اول در خصوص تعامل با غیر مسلمانان در زمینه مسائل مشترک است. چنانچه خداوند در آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ؛ ای پیامبر بگو، ای اهل کتاب بیاید به سوی کلمه‌ای که بین ما و شما مساوی است». آیه شریفه یاد شده نشان می‌دهد که مرز اتحاد «توحید» است و مشرکان و کافران که بر محور غیر توحید حرکت می‌کنند، در وحدت دینی پذیرفته نخواهند شد. محور دیگر وحدت، اتحاد میان جامعه مسلمین با یکدیگر است. در سوره «آل عمران» آمده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید. این آیه شریفه از مسلمانان می‌خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این‌رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست (ابوالفضل، ۱۳۸۴). چنانچه حضرت امیر (علیه السلام) نیز ۲۵ سال برای حفظ وحدت مسلمانان سکوت کردند. محور دیگر وحدت را می‌توان در داخل جامعه شیعی و در کشور دانست. که همانا همزیستی مسالمت‌آمیز و تحمل یکدیگر در سطح عموم مردم و به‌ویژه اندیشمندان جامعه است. و این اندیشمندان طبیعتاً در حوزه و دانشگاه هستند. و این محور از وحدت است که مبنای تحقیق حاضر است.

رویکردهای مختلف به وحدت حوزه و دانشگاه

وحدت معرفتی

این دیدگاه با فرض جدایی کامل معرفتی دو نهاد حوزه و دانشگاه عامل اصلی تعارض را جدایی معرفتی و عامل اصلی وحدت را وحدت معرفتی می‌داند. پیش‌فرض‌های معرفتی، روش‌های معرفتی و اخلاق و روحیه جداگانه معرفتی سه بُعد اساسی اختلاف بین این دو نهاد است.

وحدت ایدئولوژیک

براساس این دیدگاه، علت عدم وحدت دوگانگی بنیان علوم دانشگاهی و علوم حوزوی است. بنیان علوم دانشگاه بر پایه الحاد و هوا و هوس است و بنیان علوم حوزوی بر پایه تفکر و ایدئولوژی اسلامی است.

وحدت ساختاری

بر پایه این دیدگاه هماهنگی سازمانی بین دو نهاد حوزه و دانشگاه امری ضروری است. این دیدگاه با استناد به شواهد تاریخی که مدارس علمیه عهده‌دار علوم دینی بودند به دنبال ادغام ساختاری هر دو نهاد است.

وحدت مبتنی بر تقسیم کار

در این دیدگاه تعیین بایدها و نبایدها، هدف‌ها و غایت آموزشی توسط حوزه به‌عنوان متولیان اصلی استنباطان دینی و فعالیت علمی و پژوهشی دانشگاه در ذیل این غایات و جهات دینی که البته مستلزم گسترش قلمرو معرفتی حوزه و تحول متدولوژیک در شیوه استنباط متناسب با شرایط زمانی و مکانی است. به تعبیر دیگر آخذ فرهنگ از حوزه و آخذ تفکر از دانشگاه (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۹-۱۲).

وحدت سیاسی

در این رویکرد در این نگرش باید با در نظر گرفتن اشتراکات موجود به برطرف کردن سؤ تفاهم‌ها و اختلافات اهتمام کنند و در مقابل حوادث اجتماعی و سیاسی به یک موضع واحد دست یابند (دیوسالار، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

وحدت آرمانی

وحدت آرمانی یعنی اینکه حوزه و دانشگاه به صورت واقعی به سمتی بروند که در اهداف متعالی برای فرد و جامعه به اندیشه‌های واحدی برسند و برای وصول چنین وحدتی، مهم آن است که زبان مشترک و درک متقابل از یکدیگر وجود داشته باشد (اعرافی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

جایگاه اجتماعی حوزه

جایگاه حوزه در گذشته

در گذشته، حوزه تنها عهده‌دار امور دینی مردم نبود، بلکه در دیگر موضوعات نیز حرفی برای گفتن داشت. به‌عنوان نمونه ریاضی و نجوم و همچنین طب. افزون بر دانش‌هایی که نام بردیم، در حوزه‌ها علوم غیر رسمی مانند علم رمل، اعداد حروف، کیمیا و معما نیز قرن‌ها در نهان، یا آشکار تدریس می‌شدند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۶، ص ۲۳۷-۲۴۰).

حوزه در حال حاضر

تا پیش از انقلاب اسلامی، سهم حوزه از تولید علم و پژوهش در عرصه مسائل و موضوعات اجتماعی جامعه چندان قابل توجه نبود چراکه چنین انتظاری هم از این مرکز نبود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی که داعیه‌دار مدیریت جامعه براساس دین بود، انتظار از حوزه در خصوص حضور در این عرصه به‌ویژه در علمی مانند اقتصاد و مدیریت افزایش یافت. این حضور در قالب‌های مختلفی بروز و ظهور یافت که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

وجوه همکاری حوزه و دانشگاه

تاکنون همکاری حوزه و دانشگاه در قالب مراکز علمی و پژوهشی خود را در این چند شکل نشان داده است: تبادل استاد، تبادل دانشجو-طلبه، تأسیس مراکز تلفیقی و حضور روحانیون در دانشگاه‌ها در قالب نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها.

تبادل استاد

یکی از وجوه همکاری حوزه و دانشگاه مبادله استاد در زمینه‌هایی است که می‌توانند به یکدیگر کمک کنند. امروزه از یک سو، در دانشگاه‌های کشور، دروسی تحت عنوان «معارف اسلامی» و عناوینی مانند آن گذاشته شده است که اصالتاً در تخصص حوزه و روحانیون می‌باشد و دانشگاه‌ها می‌توانند در این موارد از استادان حوزه‌های علمیه استفاده کنند. از سوی دیگر نیز، حوزه‌های علمیه می‌توانند برای تبیین دیدگاه‌های اسلام در مسائل علوم انسانی از استادان محترم دانشگاه‌ها کمک بگیرند.

تبادل دانشجو-طلبه

تحصیل حوزویان در مقطع تحصیلات تکمیلی پس از انقلاب یکی از شیوه‌هایی بود که طلاب جهت آشنایی با علوم جدید در پیش گرفتند. از سوی دیگر در میان دانشگاهیان در قالب پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری رساله‌هایی با توجه به اندیشه‌های اسلامی نوشته شده است. برخی از دانشگاهیان نیز پس از دوران تحصیلات تکمیلی به فراگیری علوم حوزوی مشغول شدند (صدیق‌اورعی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۰-۲۲۱).

تأسیس مراکز تلفیقی

پس از انقلاب، اندیشمندان حوزوی به تأسیس مراکزی روی آوردند که در آنها هم علوم حوزوی و هم علوم دانشگاهی تدریس شود تا از این رهگذر وحدت حوزه و دانشگاه تسریع یابد. از مهم‌ترین

این مراکز می‌توان به دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه مفید، دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام) و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (علیه السلام) اشاره کرد. اینکه چه میزان این رویکرد مثمر بوده نیازمند بررسی جداگانه‌ای است؛ اما بی‌تردید در نزدیک نمودن نگرش هر دو نهاد به یکدیگر مؤثر بوده است.

نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها

در حال حاضر، نهادهای نمایندگی ولی فقیه در تمام دانشگاه‌ها وجود دارند که در رأس آنها یک روحانی وجود دارد که توسط مقام معظم رهبری انتخاب می‌گردد. در بند ۷ ماده ۲ قانون اساسنامه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها که در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، یکی از اهداف نهاد نمایندگی را تقویت پیوند حوزه و دانشگاه ذکر نموده است. وجوه همکاری که تاکنون بیان شد عمدتاً به نزدیک شدن این دو نهاد و آشناسدن آنها با یکدیگر کمک کرده و خواهد کرد؛ اما سؤال اینجاست که در یک همکاری مشترک، هر یک چه نقش‌ها و وظایفی برعهده دارند؟

روش تحقیق

در پاسخ به پرسش یاد شده، محقق ابتدا براساس مطالعات قبلی خود و دیگر مطالعات انجام شده مدل اولیه‌ای طراحی کرد، لکن به جهت اطمینان از اعتبار این مدل، آن را به محک قضاوت ۳۰ تن از اساتید و صاحب‌نظران این موضوع قرار داد. چراکه یکی از روش‌های ارزیابی معتبر بودن تحقیقات کیفی استفاده از معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد^۱ است (شنتن، ۲۰۰۴، ص ۶۳). اعتمادپذیری نیز براساس شاخص قابل قبول بودن سنجش می‌شود (تدلی و تشکری، ۲۰۱۰، ص ۲۷). محتوای مصاحبه‌ها از طریق روش تحلیل محتوا، تحلیل گردید. تحلیل محتوا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها» (کرپندورف ۱۳۹۰، ۲۵). این روش که هم در تحقیقات کیفی و هم در تحقیقات کمی و بعضاً در هر دو (روش آمیخته) به کار می‌رود طیف گسترده‌ای از تکنیک‌های تحلیلی را برای تولید یافته‌ها و تحلیل متن دربر دارد (وایت، ۲۰۰۶، ص ۴). خوشه‌بندی یا ادغام یا طبقه‌بندی از جمله این تکنیک‌ها است. طبقه‌بندی متن تکنیکی چند متغیره است برای زدودن نوع خاصی از حشو و زوائد

1. trustworthy

2. Shenton

3. Teddlie & Tashakkori

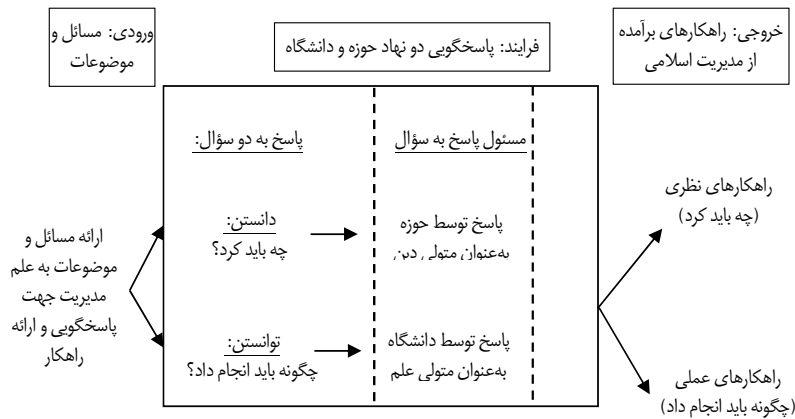
4. White

در داده‌ها و در نتیجه استخراج چیزی از آنها است که به نظر می‌رسد مفهوم‌سازی اصلی است (نایبی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶). هدف از تحلیل محتوا ساخت یک مدل و یا توصیف یک پدیده است (ایلو،^۱ ۲۰۰۸، ص ۵) و این تکنیک طبقه‌بندی به توصیف بهتر پدیده کمک می‌نماید.

طراحی مدل اولیه

در طراحی مدل اولیه، از میان رویکردهای مختلف به وحدت حوزه و دانشگاه، رویکرد تقسیم کار انتخاب شد. براساس این مدل که در شکل شماره ۱ ارائه شده است، در هر موضوعی که نیازمند همکاری حوزه و دانشگاه هستیم تقسیم کار بدین صورت خواهد بود که در مواجهه با موضوع با دو سؤال روبه‌رو هستیم.

سؤال اول، سؤال از دانستن است یعنی چه کاری باید انجام شود و حکم موضوع چیست؟ پاسخ به این سؤال توسط دین ارائه می‌شود چراکه دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنان تدوین شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). براساس این تعریف، دین فقط مربوط به حوزه فردی نبوده و حوزه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. براین اساس پیش‌فرض این مقاله این است که دین اسلام، دین کاملی است که برای تمام امور زندگی انسان برنامه و راهکار دارد که در قالب آموزه‌های خود (قرآن و سنت) ارائه نموده است و در یک جامعه دینی، آموزه‌های دینی باید هدایتگر مسیر حرکت جامعه باشد. این آموزه‌ها طبیعتاً بایستی از سوی متخصصان دین ارائه شود یعنی حوزه. از سوی دیگر، اجرای این آموزه‌ها که به لحاظ زمانی و مکانی مربوط به ۱۴ قرن پیش و در جامعه آن زمان است، برای اجرا در دوره حاضر با لحاظ تمام پویایی‌های محیطی و تغییرات لحظه‌ای شرایط و موضوعات، نیازمند تکنیک‌ها و قواعدی است که بتوان آموزه‌های دینی را پیاده نماییم. یعنی سؤال دوم، سؤال از توانستن است؟ آیا می‌توانیم در جامعه امروزی، آنچه را دین گفته پیاده کنیم؟ توانایی پیاده‌سازی آموزه‌های دینی نیازمند تکنیک‌ها و قواعدی است که متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی عصر حاضر باشد. این اصول و تکنیک‌ها نیز از سوی متولیان علم در دانشگاه‌ها ارائه می‌شود.



شکل ۱: الگوی اولیه پاسخگویی علم مدیریت اسلامی در مواجهه

با مسائل از طریق همکاری حوزه و دانشگاه

تبیین مفهوم مدیریت اسلامی بر مبنای مدل ارائه شده

اگر مدل ارائه شده در شکل شماره ۱ را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم؛ ورودی این سیستم، مسائل و موضوعاتی است که علم مدیریت در پی پاسخ بدان است. در بخش فرایند، دو فرایند چستی چگونگی در پاسخ به دو سؤال دانستن راهکار و توانستن اجرای راهکار رخ می دهد. خروجی سیستم نیز راهکارهایی است که می توان آنها را به عنوان راهکارهای برآمده از مدیریت اسلامی در مواجهه با مسائل و موضوعات لحاظ نمود. به منظور توضیح بیشتر، این مدل در خصوص یک موضوع تبیین می گردد.

یکی از معضلات کنونی جامعه، ضعف و ناکارآمدی در سیستم اداری است که منجر به نارضایتی ارباب رجوع می گردد. در مواجهه با این موضوع، مدل همکاری حوزه و دانشگاه بدین صورت است که چستی حکم یعنی اینکه چه باید کرد توسط حوزه به عنوان متولی دین تبیین می گردد. در این صورت حوزه با رجوع به آموزه های دینی و در قالب یک فعالیت اجتهادی با متولژی مشخص در حوزه ها، یک راهکار اساسی در بیانات معصومان (علیهم السلام) ارائه می نماید. به عنوان مثال امام علی (علیه السلام) می فرمایند یک کارمند در سیستم اداری هرگز نباید به ارباب رجوع بگوید "من مأمورم و معذور" من مجری قانون هستم و مشکل ارباب رجوع به من ارتباطی ندارد. حال چنانچه یک کارمند بخواهد به این فرمایش امام عمل کند با مشکلات عدیده ای روبه رو می شود. چون در بسیاری از اوقات حل مشکل ارباب رجوع در تعارض با اجرای قانون واقع می شود. از این رو عمل

به این آموزه دینی نیازمند راهکارهایی است. این راهکارها هم به لحاظ دانشی است (یعنی نحوه و چگونگی اصلاح قوانین) هم به لحاظ بینشی است (یعنی چگونگی ایجاد انگیزه در کارمندان جهت بی تفاوت نبودن نسبت به ارباب رجوع) و هم به لحاظ رفتاری و مهارتی است (یعنی توانمندسازی و ایجاد مهارت در کارمند جهت برطرف کردن مشکل ارباب رجوع به نحوی که با قوانین نیز تعارض نداشته باشد) لازم به ذکر است محقق به دلیل تعامل با بسیاری از نهادهای اجرایی از نزدیک شاهد چنین مشکلات و موانعی بوده است. به عبارت دیگر پیاده نشدن آموزه‌های دینی در جامعه و مثلاً یک سازمان، نه به خاطر نخواستن اشخاص و مدیران آن سازمان است، بلکه زمینه پیاده‌سازی آموزه‌های دینی به سختی ایجاد می‌گردد.

از این رو ارائه راهکارهای رفع موانع و ایجاد توانایی عمل به آموزه‌های دینی مستلزم پژوهش‌های علمی دقیقی است که چون مصداقی می‌باشد کمتر می‌توان در آموزه‌های دینی بدان دست پیدا کرد. چنین پژوهش‌هایی توسط رشته‌های مختلف علمی در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و می‌توان این نوع پژوهش‌ها را که در قالب کتاب، مقاله و... منتشر می‌شود به‌عنوان مصداقی از علم مدیریت اسلامی لحاظ نمود. به عبارت دیگر برای اینکه یک پژوهش علمی، اسلامی نیز لحاظ شود لزوماً نباید تنها مملو از آیات و روایات باشد، بلکه ممکن است فقط یک آموزه دینی، محور باشد و چگونگی پیاده‌سازی این آموزه و راهکارهای رفع موانع اجرای آن بررسی شود.

تحلیل یافته‌های تحقیق^۱

همان‌طور که بیان شد به‌منظور اعتبارسنجی مدل اولیه، با ۳۰ تن از اساتید و صاحب‌نظران در قالب مصاحبه‌های عمیق، گفتگو شد و نظرات ایشان اخذ گردید. در ادامه تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در دو بخش کمی و کیفی ارائه می‌گردد.

جدول ۲: یافته‌های کمی حاصل از نظرات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سوالات	میانگین
۱.	تطابق عنوان تحقیق با مدل ارائه‌شده	۳۳.۴
۲.	تطابق مدل با آموزه‌های دینی	۰۷.۴
۳.	تطابق مدل با علوم جدید	۶۷.۳
۴.	اجرائی بودن مدل در حال حاضر	۳۳.۳
۵.	قابل قبول بودن مدل در حالت مطلوب	۴

۱. لازم به ذکر است این تحقیق بخشی از یک پروژه کلان‌تری است که در موضوع الگوی همکاری حوزه و دانشگاه در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و به سفارش دانشگاه عالی دفاع ملی انجام شده است.

تحلیل یافته‌های کمی

به منظور بررسی اجمالی و آماری نظرات مصاحبه‌شوندگان، در خلال مصاحبه، پرسش‌نامه‌ای حاوی ۵ سؤال نیز به ایشان ارائه می‌گردید و اساتید به هر سؤال در طیفی از عالی، خوب، متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف پاسخ می‌دادند که نتایج آن در جدول زیر قابل مشاهده است.

با توجه به اینکه در این تحقیق، امتیاز عالی معادل ۵ محسوب شده و به همین ترتیب، خوب ۴، متوسط ۳، ضعیف ۲ و بسیار ضعیف ۱، نتایج جدول فوق نشان می‌دهد از منظر مصاحبه‌شوندگان تطابق عنوان تحقیق با مدل ارائه‌شده دارای نمره بین خوب و بسیار خوب می‌باشد. همچنین از منظر تطابق مدل با آموزه‌های دینی، مدل ارائه‌شده، خوب ارزیابی شده است. در خصوص تطابق مدل با علوم جدید نیز، امتیاز قابل قبول و بالاتر از متوسط کسب نموده است. ولی در خصوص معیار چهارم و پنجم، هر چند مصاحبه‌شوندگان معتقدند چنین مدلی در حالت مطلوب قابل پذیرش است؛ اما در حال حاضر و با توجه به شرایط جامعه و نقشی که حوزه و دانشگاه در فرایند مواجهه با مشکلات کشور ایفا می‌نمایند، اجرای مدل با چالش‌هایی مواجه است که ضرورت دارد مدل اجرایی‌تر طراحی شود.

تحلیل یافته‌های کیفی

در انتخاب مصاحبه‌شوندگان که عمده این خبرگان تحصیلکرده حوزوی و دانشگاهی بودند، تلاش شد بر نهادهایی که صبغه حوزوی دانشگاهی دارند تمرکز شود. از جمله این نهادها می‌توان به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (علیه‌السلام) و دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) اشاره کرد.

محتوای مصاحبه‌ها از طریق روش تحلیل محتوا و تکنیک خوشه‌بندی تحلیل و طبقه‌بندی شد. نظرات اساتید در قالب ۴۱ مفهوم پایه، ۱۵ مفهوم محوری و ۳ مفهوم اصلی دسته‌بندی گردید که در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است.

ردیف	مفهوم پایه	مفهوم محوری	مفهوم اصلی
۱	در بحث وحدت حوزه و دانشگاه، قبل از پیاده نمودن هر راهکاری ابتدا باید افراد حوزوی و دانشگاهی دید مثبتی به هم پیدا نمایند.	اعتمادسازی میان حوزه و دانشگاه	رابطه حوزه و دانشگاه
۲	لازم است تا متخصصان دین نیز تا حدی با علوم جدید آشنا باشند تا افراد دانشگاهی اعتماد بیشتری نمایند.	اعتمادسازی میان حوزه و دانشگاه	رابطه حوزه و دانشگاه
۳	حضور دین به منظور پیشگیری از تحریف آموزه‌های دینی در فرایند اجرا ضرورت دارد.	پرزنگ‌تر نمودن نقش حوزه	رابطه حوزه و دانشگاه
۴	نباید به گونه‌ای شود که تصور شود دانشگاه هیچ‌کاره است و صرفاً یک مجری می‌باشد.	پرزنگ‌تر نمودن نقش دانشگاه	رابطه حوزه و دانشگاه

۵	رابطه حوزه و دانشگاه	پررنگ‌تر نمودن نقش دانشگاه	نمی‌شود همین‌طور سمت دین رفت باید مسئله داشت تا عوامل پیش‌برنده را شناسایی نمود و علم و دانشگاه است که می‌توانند مشکلات جامعه را به مسائل قابل فهم تبدیل نمایند.
۶	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	اگرچه همچنان دید منفی بین دو نهاد وجود دارد؛ اما در سال‌های اخیر مراکز حوزوی_ دانشگاهی و به تبع آن تحصیل‌کردگان حوزوی دانشگاهی بیشتر شده‌اند. بهتر است شروع همکاری با کسانی باشد که حوزوی_ دانشگاهی باشند.
۷	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	
۸	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	بهترین شیوه شروع همکاری حوزه و دانشگاه این است که دو تیم مشترک از هر دو نهاد به صورت آزمایشی در مورد یک معضل یا مسئله کار کنند.
۹	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	در بحث حوزه و دانشگاه، ابتدا باید نیروی انسانی داشت. یا افراد حوزوی دانشگاهی یا دانشگاهی متدین. به‌ویژه به‌کارگیری جوانان فکری، متعهد و انقلابی.
۱۰	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	راه‌حل وحدت حوزه و دانشگاه، تولید علم دینی است.
۱۱	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	مشکل اصلی در عدم وحدت حوزه و دانشگاه فقدان نیروی انسانی معتقد به چنین امری است.
۱۲	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	هر مسئله را باید به‌طور مستقل تحلیل کنیم که چه بخشی را کارشناس دین باید تبیین نماید و چه بخشی را کارشناس علم.
۱۳	رابطه حوزه و دانشگاه	راه‌حل وحدت	یک فرد دانشگاهی باید بپذیرد که حکومت می‌خواهد دینی باشد و لذا اگر هم می‌خواهد راهکاری از طریق تجویزهای علمی ارائه نماید نباید از خطوط قرمز دین تجاوز نماید.
۱۴	رابطه حوزه و دانشگاه	ماهیت حوزه	در بحث دانستن، صرفاً نباید به ارائه حکم آن هم توسط حوزه بسنده نمود.
۱۵	رابطه حوزه و دانشگاه	ماهیت حوزه	دو نوع نگاه می‌توان به حوزه داشت: ۱- معرف دین و ۲- یک تشکیلات آموزشی که البته در این صورت نیازی به دین نیست چون دانشکده الهیات وجود دارد.
۱۶	رابطه حوزه و دانشگاه	ماهیت دانشگاه	۲ نوع نگاه نیز می‌توان به دانشگاه داشت: ۱- یک نهاد پژوهشی مستقل و ۲- یک نهاد مجری راهکارهای نهاد دیگری مانند دین که در این صورت هویت مستقلی نخواهد داشت.
۱۷	رابطه حوزه و دانشگاه	ماهیت دانشگاه	اولاً مشکل فقط در ندانستن نیست؛ ثانیاً دانشگاه به این تقسیم‌بندی واکنش نشان خواهد داد.
۱۸	رابطه حوزه و دانشگاه	موانع وحدت	این بحث یک بحث راهبردی است نه صنفی. اگر صنفی شد به نوعی سکولاریسم دچار می‌گردد.
۱۹	رابطه حوزه و دانشگاه	موانع وحدت	تفکیک حوزه و دانشگاه نادرست است.
۲۰	رابطه حوزه و دانشگاه	موانع وحدت	غیر از موضوع دین و علم و حوزه و دانشگاه، باید توجه داشت که جریان باطل نیز بیکار نیست و در فرایند شناسایی و پیاده نمودن دین مانع ایجاد می‌کند.
۲۱	رابطه حوزه و دانشگاه	واگرایی حوزه و دانشگاه	در حال حاضر واگرایی شدیدی بین حوزه و دانشگاه وجود دارد. یک فرد حوزوی نتایج کار یک دانشگاهی را نمی‌فهمد و یک فرد دانشگاهی نیز ارتباطی با حوزه برقرار نمی‌کند.
۲۲	رابطه حوزه و دانشگاه	واگرایی حوزه و دانشگاه	علت اینکه هرکدام از دو نهاد حوزه و دانشگاه فکر می‌کنند در فرایند تولید علم دینی، محوریت ندارند این است که هیچ‌کدام نمی‌دانند چه ظرفیت معرفتی دارند.
۲۳	رابطه علم و دین	پررنگ‌تر نمودن نقش دانشگاه	غیر از انبیا که به آنها الهام می‌شد. دیگران برای رجوع به دین باید با مسئله و سؤال رجوع کنند و این مسئله و سؤال می‌تواند از طریق علم و دانشگاه ارائه شود.

۲۴	نقشی که برای علم دیده شده براساس کدام معنا از علم است. علوم جدید یا علوم اسلامی. مثلاً جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناسی اسلامی؟	جایگاه علم	رابطه علم و دین
۲۵	در مواجهه با یک آسیب یا معضل چنانچه تعارض میان راهکارهای ارائه شده توسط علم و دین به وجود آید چه باید کرد؟	حدود علم و دین در هنگام تعارض	رابطه علم و دین
۲۶	مدل باید پیچیده‌تر از این باشد. چرا که تعامل بین حوزه و دانشگاه در هر بحثی فرق می‌کند. در بحث موضوع‌شناسی به یک نحو ارتباط دارند. در حوزه منطقه الفراق به یک نحو دیگری است. با نگاه ایجابی به یک نحوی است و در موضوعات سلبی به گونه دیگر.	حدود علم و دین در هنگام تعارض	رابطه علم و دین
۲۷	آموزه‌های دینی تفاسیر مختلفی دارد و به این راحتی نمی‌تواند مبنای رفع دانستن شود. باید بین مقام برنامه‌ریزی و مقام امورات شخصی تفکیک قائل شد. در امورات شخصی، فرد مکلف است هرآنچه از دین فهمید عمل کند اگر به نتیجه نرسید به تعبیر شیخ انصاری در بحث مصلحت سلوکیه، خدا برای او جبران می‌کند؛ اما در مقام برنامه‌ریزی برای یک جامعه نمی‌توان به همین بساطت عمل نمود.	ماهیت دین	رابطه علم و دین
۲۸	بسیاری از آموزه‌های دینی که به نوعی ابزار را تعریف می‌کنند مربوط به زمان گذشته است. مثلاً اسلام اصل نظافت را قبول دارد؛ اما در آن زمان با چوب مسواک می‌کردند امروزه مسواک و خمیردندان آمده است.	ماهیت دین	رابطه علم و دین
۲۹	دین اصل باشد نه یک نهاد مشخص. یعنی به جای اینکه بگوئیم حوزه متولی دین است بگوئیم هر کسی که توانایی استنباط از دین را دارد.	ماهیت دین	رابطه علم و دین
۳۰	در نسبت بین علم و دین، هرچه به سمت جزئیات می‌رویم نقش علم بیشتر می‌شود و هرچه به سمت کلیات حرکت می‌کنیم نقش دین بیشتر می‌شود. از این رو هر دو نهاد باید در هر دو مقام دانستن و توانستن حضور داشته باشند.	ماهیت علم	رابطه علم و دین
۳۱	در مرحله دوم باید دید آیا در نظام اسلام مثلاً بانک وجود دارد؟ در مرحله سوم بررسی کنیم اسلام خود چه نظام اقتصادی دارد؟ در گام نخست نمی‌توان از مرحله سوم شروع کرد چون واقعیت جامعه وجود دارد و نمی‌توان بی‌تفاوت بود.	ماهیت علم دینی	رابطه علم و دین
۳۲	در مواجهه با علوم غربی، مرحله اول اسلامی شدن است یعنی لبه‌های تیز تقابل را می‌گیریم.	ماهیت علم دینی	رابطه علم و دین
۳۳	باید به این نکته هم توجه داشت همواره در مقام اجرای مدل، اراده‌های دیگری غیر از اراده شما وجود دارد و هرگونه که خواستید نمی‌توانید عمل کنید.	وضعیت فعلی جامعه	مسائل ناظر به اجرای مدل
۳۴	تفکیک بین دانستن و توانستن قابل انجام نیست. هیچ دانستنی بدون ارتباط با توانستن وجود ندارد.	ضرورت اجرایی‌سازی مدل	مسائل ناظر به اجرای مدل
۳۵	این مدل باید عینی‌تر شده و در یک موضوع پیاده شود.	ضرورت اجرایی‌سازی مدل	مسائل ناظر به اجرای مدل
۳۶	این مدل، یک مدل نیست، بلکه منطبق طراحی مدل است.	ضرورت اجرایی‌سازی مدل	مسائل ناظر به اجرای مدل
۳۷	باید به یک مدل مدیریتی تبدیل شود. در قالب تبدیل به نهادهایی که نماد این دو هستند. که نماد دین حوزه است و نماد علم، دانشگاه.	ضرورت اجرایی‌سازی مدل	مسائل ناظر به اجرای مدل
۳۸	مهم‌ترین موضوع در این مدل، اجرایی نمودن آن است.	ضرورت اجرایی‌سازی مدل	مسائل ناظر به اجرای مدل
۳۹	در حال حاضر حوزه به صورت فردی کار می‌کند نه سیستماتیک	وضعیت فعلی جامعه	مسائل ناظر به اجرای مدل
۴۰	صرف دانستن و دانستن کافی نیست، بلکه عنصر سومی را نیز باید بدان توجه نمود و آن عبارتست از "خواستن" یعنی مسئول اجرای این مدل در عمل بخواهد یعنی هم حوزه و دانشگاه و هم حاکمیت.	وضعیت فعلی جامعه	مسائل ناظر به اجرای مدل

مفاهیم اصلی ۳ گانه نیز به شرح زیر می‌باشد:

۱. رابطه حوزه و دانشگاه

۲. رابطه علم و دین

۳. مسائل ناظر به اجرای مدل

به جهت اهمیت مفاهیم اصلی، در ادامه به تبیین مهم‌ترین نکات در هر مفهوم اصلی می‌پردازیم:

رابطه حوزه و دانشگاه

مهم‌ترین نکته‌ای که در خلال مصاحبه‌ها به دست آمد این بود که در مدل ارائه شده اولیه، ضمن تفکیک بین دو مرحله دانستن و توانستن، نقش اصلی در مرحله دانستن بر عهده حوزه قرارداد شده بود و نقش اصلی در مرحله توانستن بر عهده دانشگاه. از منظر مصاحبه‌شوندگان این‌گونه تقسیم‌بندی نه مطلوب است و نه عملی. حوزه و دانشگاه در هر دو مرحله دانستن و توانستن نقش دارند. این نقش نیز به صورت مکمل است. به‌عنوان مثال، یک فقیه در بیان حکم یک مسئله (دانستن)، نیازمند آگاهی دقیق از مختصات موضوع است و این آگاهی را متخصصان امر که به طور عمده دانشگاهی هستند ارائه می‌گردد. به همین ترتیب در مقام اجرای حکم نیز (توانستن) دین و آموزه‌های دینی و به تبع آن حوزه به‌عنوان متولی دین، می‌تواند و باید حضور داشته باشد. این حضور هم می‌تواند ایجابی باشد یعنی ارائه مصادیقی از سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) که می‌تواند راهگشای عملی باشد و هم سلبی یعنی بیان خطوط قرمز و به تعبیری باید‌ها و نبایدهایی که تکنیک‌ها و راهکارهای ارائه‌شده توسط دانشگاه نباید با آنها تعارض داشته باشد.

رابطه علم و دین

وجه دیگر موضوع همکاری حوزه و دانشگاه، تبیین رابطه علم و دین است. در حقیقت، رابطه علم و دین، روی دیگر سکه رابطه حوزه و دانشگاه است. بحث مهمی که از منظر مصاحبه‌شوندگان اهمیت داشت تبیین تعارض احتمالی میان آموزه‌های دینی و تجویزهای علمی است. به نظر می‌رسد دین در بسیاری از حوزه‌ها و موضوعات اجتماعی، آموزه‌هایی دارد؛ اما بررسی اینکه این آموزه‌ها مربوط به ۱۴ قرن پیش است و صرفاً مختص آن زمان بوده یا در حال حاضر نیز موضوعیت دارد نیازمند کار اجتهادی است تا به آموزه‌های حجیت یافته دست یافت. این امر نیز نیازمند حضور علوم جدید برای کمک به چنین امری است.

افزون بر این، در منطقه الفراغ (به تعبیر شهید صدر) که کلاً تشخیص موضوع و حکم بر عهده علم گذاشته شده است، صرفاً نباید از خطوط قرمز مصرح دین، تجاوز نمود. یعنی تجویزهای علم نباید مغایرتی با آموزه‌های حجیت یافته دین داشته باشد. به عبارت دیگر در بخش اول، رویکرد دین ایجابی است یعنی آموزه‌هایی دارد که باید بدان عمل کرد، اما در بخش دوم یعنی منطقه الفراغ، رویکرد دین سلبی است یعنی هرگونه اقدامی که به تجویز علم انجام می‌شود نباید مغایر با شرع مقدس اسلام باشد.

در تعارض میان آموزه‌های دینی و تجویزهای علمی ممکن است به وضعیتی برسیم که این تغییر بسیار زیاد باشد در این حالت آیا باز می‌توان از پدیده‌ای به نام دین نام برد و آیا در این صورت دین تبدیل به امری عرفی نمی‌شود؟ در پاسخ به این سؤال ضروری است اجرای دین در چارچوب فهم نظریه ولایت فقیه تحلیل گردد. همان‌طور که امام علیه السلام حج را که از واجبات دین است و حتی از آموزه‌های مهم دین شمرده می‌شود بنا به مصلحت، موقتاً تعطیل نمودند. یعنی نظریه ولایت فقیه اجازه ایجاد هیچ بن‌بستی برای اداره جامعه از طریق دین نمی‌دهد.

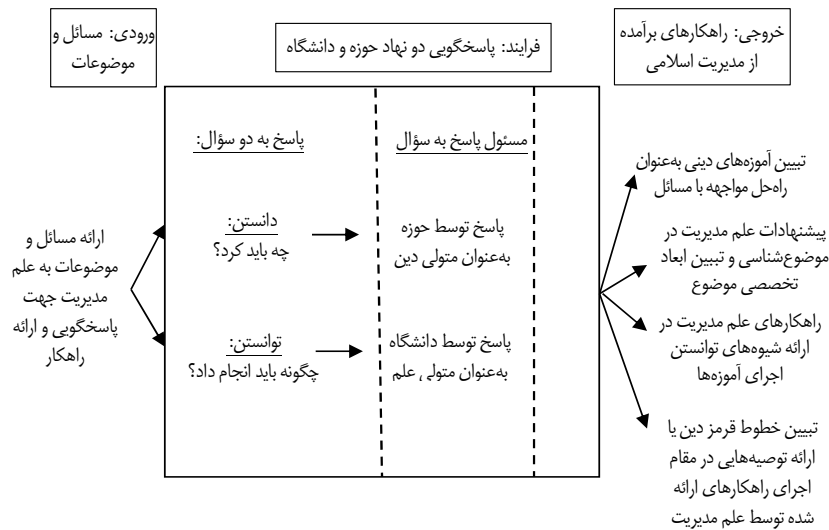
مسائل ناظر به اجرای مدل

سومین و آخرین محوری که مصاحبه‌شوندگان نظرانی در آن ارائه دادند، اجرایی‌سازی مدل است. این نکات از دو حیث قابل بررسی است اول از حیث اینکه بر فرض تام و تمام بودن این مدل، در وضعیت فعلی جامعه پیاده‌سازی چنین مدلی با شکست مواجه می‌گردد. چراکه غالباً میان دو نهاد حوزه و دانشگاه، همدلی مورد انتظار وجود ندارد تا براساس آن همفکری و همکاری شکل بگیرد، بنبر این مهم‌ترین نکته مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان، تمهید نیروی انسانی به‌عنوان عامل اصلی در موفقیت این مدل است. مضاف بر اینکه صرف توانستن و دانستن کافی نیست، بلکه عنصر سومی را نیز باید بدان توجه نمود و آن عبارتست از "خواستن" یعنی مسئول اجرای این مدل در عمل بخواهد یعنی هم حوزه و دانشگاه و هم حاکمیت لذا باید به این نکته هم توجه داشت همواره در مقام اجرای مدل، اراده‌های دیگری غیر از اراده شما وجود دارد و هرگونه که خواستید نمی‌توانید عمل کنید.

منظر دومی که در خصوص اجرای مدل مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان نیز بود، اجرای آزمایشی مدلدلر یک موضوع مشخص بود تا اشکالات آن در عمل گرفته شود. این موضوع می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقیقات آتی باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق که در حقیقت مدل اصلاح‌شده تحقیق پس از اعمال نظرات مصاحبه‌شوندگان است در شکل زیر قابل مشاهده است.



شکل ۲: الگوی نهایی تولید علم مدیریت اسلامی از طریق همکاری حوزه و دانشگاه

همان‌طور که از شکل فوق نیز مشخص است، یافته‌های تحقیق که حاصل تحلیل محتوای مصاحبه‌ها بود، نشان می‌دهد کلیت مدل اولیه طراحی‌شده مورد تأیید صاحب‌نظران می‌باشد با این تفاوت که اگر مدل اولیه را الگوی «تقسیم کار فرایندی» بنامیم، مدل اصلاح‌شده منجر به الگوی «تقسیم کار تعاملی» می‌گردد. در مدل اولیه، تقسیم کار میان حوزه و دانشگاه تا حد زیادی مرزبندی شده بود یعنی هرکدام در یک فرایند تعریف‌شده وظیفه‌ای بر عهده داشتند یعنی مدیریت اسلامی برآمده از چنین همکاری میان حوزه و دانشگاه و راهکارهای و تجویزهای علمی ناشی از آن طی یک فرایند جدا از هم حاصل می‌شود؛ اما در الگوی نهایی، نوع ارتباط تعاملی خواهد بود. به عبارت دیگر اگر علم مدیریت بخواهد راهکارها و تجویزهایی در مواجهه با مسائل و موضوعات ارائه نماید ابتدا نیازمند پاسخ به سؤال از دانستن است یعنی چه کاری باید انجام شود و حکم موضوع چیست؟ طبیعتاً از آنجا که ما معتقدیم دین اسلام، دین کاملی است که برای تمام امور زندگی انسان برنامه و راهکار دارد که در قالب آموزه‌های خود (قرآن و سنت) ارائه نموده است و در

یک جامعه دینی، آموزه‌های دینی باید هدایتگر مسیر حرکت جامعه باشد، باید برای یافتن مکانیسم‌های فوق به آموزه‌های دینی مراجعه نمود که به لحاظ طبیعی بایستی از سوی متخصصان دین ارائه شود یعنی حوزه اما از آنجا که علم نیز می‌تواند این مکانیسم‌ها را در سطوح پایین‌تر شناسایی نماید باید در موضوع‌شناسی به کمک متخصص دین بیاید لذا تجربیات علمی که متولی آن دانشگاه است نیز در این مرحله نقش دارند.

در گام دوم و پس از دانستن حکم موضوع و اینکه چه باید کرد، بایستی بتوانیم آنها را در عمل نیز پیاده نماییم. از آنجا که نمی‌توان در جزئیات و چگونگی اجرای اقدامات، حکم ثابت داد، بلکه به تناسب مقتضیات زمان و مکان و عوامل مختلف، چگونگی اجرای راه‌حل‌ها (که در مرحله دانستن مشخص شد) تعیین می‌گردد، لذا نیازمند تخصص‌های مختلف علوم بشری هستیم تا تکنیک‌ها و قواعد پیاده‌شدن راه‌حل‌ها را ارائه دهند از این رو نیازمند یافته‌های علمی که متولی آن دانشگاه است می‌باشیم؛ اما در هر حال این یافته‌ها نباید با خطوط قرمز دین تناقض داشته باشد. مضاف بر اینکه در سنت و سیره معصومان (علیهم‌السلام) مواردی یافت می‌شود که می‌تواند در نحوه پیاده نمودن راهکارها مفید فائده باشد؛ لذا در این مرحله نیز حوزه به‌عنوان متولی دین بایستی حضور داشته باشد. این نوع از ورود علم مدیریت را می‌توان مدیریت اسلامی تصور نمود. به‌عبارت‌دیگر مدیریت اسلامی به‌عنوان یک علم که به دنبال ارائه راهکارهای علمی می‌باشد می‌تواند از رهگذر چنین الگویی حاصل شود.

می‌توان در یک موضوع خاص، تیمی متشکل از اساتید دانشگاهی (معتقد به ایده وحدت) و اساتید و صاحب‌نظران حوزوی ایجاد و تلاش گردد براساس مدل ارائه‌شده در این تحقیق، راهکارهایی علمی در جهت برطرف شدن مسئله مورد نظر ارائه نمایند. به‌عنوان مثال بسیاری از سازمان‌ها با معضل تأخیر در پرداخت‌های حق‌الزحمه اشخاص (غیر از حقوق کارمندان ثابت) مواجه‌اند. در حالی که طبق فرمایشات صریح و شفاف معصومان (علیهم‌السلام)، حق‌الزحمه کارگر را قبل از خشک شدن عرق وی باید پرداخت کرد. حال سؤال اینجاست راهکار یا راهکارهای برطرف شدن این معضل چیست و چگونه این دو نهاد علمی باید در این راستا با یکدیگر همکاری کنند. مدل ارائه‌شده در این تحقیق چارچوب کلی این همکاری را مشخص نموده و می‌توان راهنمای مناسبی در نحوه همکاری این دو نهاد باشد تا مدیریت اسلامی تولید گردد.

برای انجام تحقیقات آتی نیز پیشنهاد می‌شود محققان علاقمند بررسی نمایند آیا مدل ارائه‌شده، در موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... نیز یکسان است یا نیاز به ایجاد تغییراتی در مدل می‌باشد.

منابع

۱. ابوالفضل حسینی (۱۳۸۴)، «وحدت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام؛ استراتژی یا تاکتیک»، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۷۴.
۲. احمدی، اصغر و سیدعلیرضا افشانی (پاییز ۱۳۸۷)، «نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر»، راهبرد فرهنگ، شماره ۳.
۳. اعتمادی‌فرد، سیدمهدی و انیس صارمی (زمستان ۱۳۹۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی انگیزه‌های مهاجرت از دانشگاه به حوزه علمیه»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ششم، شماره ۴.
۴. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)، «وحدت آرمانی نخبگان؛ واکاوی وحدت حوزه و دانشگاه»، پگاه حوزه (ویژه حوزه‌های دینی)، شماره ۵۰.
۵. افروغ عماد (۱۳۷۹)، «رویکرد به وحدت حوزه و دانشگاه»، بازتاب اندیشه، شماره ۱۰.
۶. امیری علی‌نقی (زمستان ۱۳۸۶)، «رویکردهای مدیریت اسلامی: رویکرد تجربی»، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، دوره ۱۳، شماره ۵۳، ص ۱۴۵-۱۶۳.
۷. امیری، علی‌نقی (زمستان ۱۳۸۶)، «رویکردهای مدیریت اسلامی: رویکرد تجربی»، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، دوره ۱۳، شماره ۵۳، ص ۱۴۵-۱۶۳.
۸. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۷)، «دانشگاه و چالش‌های جامعه ایرانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۹. بهارستان جلیل (۱۳۸۳)، «مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج»، نشریه: مدرس علوم انسانی، شماره ۳۶، ص ۱-۳۶.
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۶)، گذشته، حال و آینده حوزه در نگاه رهبری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۱. جمعی از نویسندگان، بی‌نا (۱۳۷۵)، مجموعه مقالاتی پیرامون تأملی در نظام آموزشی حوزه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۱)، نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. چاوشی سیدکاظم (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۲، ص ۴۳-۵۳.

۱۴. حاضری علی محمد (زمستان ۱۳۷۷)، «آرمان وحدت حوزه و دانشگاه آسیب‌ها و خطرات»، دانشگاه اسلامی، شماره ۷.
۱۵. خامنه‌ای سید علی، بیانات و سخنرانی‌ها، مندرج در پایگاه اطلاع رسانی معظم له، <https://farsi.khamenei.ir/>
۱۶. دیوسالار، مجید (۱۳۸۷)، «وحدت آرمانی و عالمانه: پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه و دیدگاه‌های مرتبط با آن»، *پگاه حوزه*، شماره ۲۴۵.
۱۷. ساورسلفی، محمدابراهیم (زمستان ۱۳۹۱)، «بایسته‌های حوزه و روحانیت از دیدگاه مقام معظم رهبری»، نشریه حبل‌المتین، شماره ۱.
۱۸. سید علیپور سید خلیل (۱۳۸۵)، «نقش حوزه و دانشگاه در رشد و تعالی معنوی جامعه از دیدگاه امام خمینی»، پنجمین همایش سراسری علوم انسانی و هنر.
۱۹. فتحی ابراهیم (۱۳۹۶)، بازخوانی منابع قدرت نرم مکتب اهل بیت علیهم السلام در ذخیره دانش نخبگان حوزه و دانشگاه، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، قم.
۲۰. فتحی ابراهیم (۱۳۹۶)، بازخوانی منابع قدرت نرم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در ذخیره نخبگان حوزه و دانشگاه، دانشگاه باقرالعلوم (علیهم السلام)، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، قم.
۲۱. فقیهی، ابوالحسن و محسن علیزاده (۱۳۸۴)، «روایی در تحقیق کیفی»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال سوم، شماره ۹.
۲۲. قاسمی‌زاد، علیرضا و محسن جوکار (۱۳۹۶)، «شناسایی مشکلات ارتباط حوزه و دانشگاه»، سومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
۲۳. قانع، امیررضا؛ الهه قانع، عبدالرضا اصغری (زمستان ۱۳۹۷)، «کندوکاوی در شاخه‌های مدیریت اسلامی؛ با محوریت مدیریت علوی»، *رهیافت فرهنگ دینی*، دوره ۱، شماره ۴، ص ۳۵-۴۹.
۲۴. کاظم‌زاده هادی (۱۳۹۲)، «نقش حوزه علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی»، دانشگاه معارف اسلامی قم، دانشکده تاریخ و تمدن اسلام، قم.
۲۵. کریمی، جابر؛ احمدرضا نصر اصفهانی و محمود حاجی احمدی (پاییز زمستان ۱۳۸۴)، «بررسی و مقایسه نظام آموزشی حوزه و دانشگاه»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، شماره ۱۱ و ۱۲.
۲۶. کوشکی، محمدصادق و اسماعیل آجرلو (۱۳۹۲)، «تئوری وحدت حوزه و دانشگاه در انقلاب اسلامی و رهبافتی بر استعاره معناگرایی قدرت در حقوق عمومی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، تهران.

۲۷. کی بوک (۱۳۹۶)، «مسئولیت اجتماعی دانشگاه؛ رسالت دانشگاه در جهان پیچیده امروز»، مترجم: آرمن امیر، علی پاپلی یزدی، مریم عالم‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۸. محمدرضایی محمد (۱۳۹۴)، پژوهشی در باب وحدت حوزه و دانشگاه، به سفارش دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.

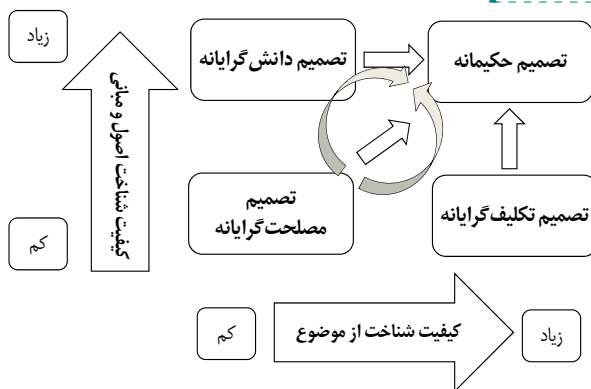
۲۹. میرزاحمدی، محمدحسن و علی صحبت‌لو (پاییز ۱۳۸۶)، «تبیین اهداف مشترک حوزه و دانشگاه»، دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳، ص ۴۳-۷۶.

30. Elo Satu, Kyngäs Helvi, (2008) the qualitative content analysis process, Published in Journal of advanced nursing, Volume62, Issue1.

31. Shenton Andrew K. , (2004) Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects, Northumbria University, Education for Information, 22, 63-75.

32. Teddlie Charles , Tashakkori Abbas. (2), SAGE Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research , Published in Social Science.

33. White, Marilyn, Marsh, Emily, (2006) Content Analysis: A Flexible Methodology, Published in Library Trends 55(1) · June 2006.



Formatted: Font: (Default) Times New Roman, 10 pt

Formatted: Font: (Default) Abo-thar, Complex Script Font: IRLotus, 13 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Normal, Justify Low, Line spacing: Exactly 19/9 pt, Tab stops: Not at 3/68 cm